

مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند

سیدحسین مطیعی لنگرودی* - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

فاطمه سخایی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۱۳ تأیید نهایی: ۱۳۸۸/۴/۲۸

چکیده

رشد و توسعه روستایی، ارتباطی تنگاتنگ با مشارکت روستاییان دارد، چرا که مشارکت در واقع کارایی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کیفیت تصمیم‌گیری برای مناطق روستایی را افزایش می‌دهد. ضعف مشارکت مردمی در جامعه روستایی، از پویایی روستاها می‌کاهد و رشد و شکوفایی روستاها را با دشواری مواجه می‌سازد. در پژوهش حاضر، نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستاهای دهستان سلگی شهرستان نهاوند مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعه بر روی ۳۴۵ نفر از سرپرستان خانوار، در ۶ روستای نمونه دهستان سلگی شهرستان نهاوند - از استان همدان - انجام گرفته و در آن از روش مطالعات اسنادی و روش پیمایشی با استفاده از تکنیک تکمیل پرسش‌نامه برای شناسایی وضعیت مشارکت در روستاهای نمونه استفاده شده است. برای دستیابی به این هدف، پس از تهیه پرسش‌نامه و بررسی اعتبار و روایی آن، پرسش‌نامه‌ها در بین افراد نمونه توزیع شده، و از نتایج آنها برای تأیید یا رد فرضیه‌ها استفاده گردید. برای آزمون فرضیه‌ها، با استفاده از شاخص‌های توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه، سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی خانوارها و با به‌کارگیری آزمون‌های همبستگی پیرسون و کروسکال والیس از طریق نرم‌افزار SPSS به‌منظور داده‌پردازی استفاده شده است. مطالعات انجام شده، نشان می‌دهد که در منطقه مورد مطالعه، علاوه بر وجود پتانسیل‌ها و زمینه‌های مشارکت در توسعه روستایی، موانع و مشکلاتی در چهار دسته اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر سر راه مشارکت پویا و فعال وجود دارد، که رفع هر کدام از آنها مستلزم به‌کارگیری راهکاری ویژه است. مجموعه اقدامات مذکور، به ارائه راهکار و برنامه‌ریزی منطبق با توانمندی‌های موجود در ناحیه روستایی موردنظر نیاز دارد.

کلیدواژه‌ها: توسعه روستایی، مشارکت مردمی، برنامه‌ریزی روستایی، شهرستان نهاوند.

مقدمه

در فرایند تاریخی تحولات مربوط به توسعه روستایی، در دهه‌های ابتدایی پس از جنگ جهانی دوم، تغییر از نگرش رشد به سوی توسعه اجتماعی و توسعه انسانی، دربردارنده این پیام بود که عامل اقتصادی و برنامه‌ریزی متمرکز به تنهایی نمی‌تواند معادله توسعه را تبیین کند. در این دهه‌ها، بسیار از کشورهای در حال توسعه به‌منظور دستیابی به توسعه اجتماعی و اقتصادی - به‌ویژه در نواحی روستایی - روش‌هایی را تحت عنوان راهبردهای توسعه آزمودند (مطیعی

لنگرودی و نجفی‌کانی، ۱۳۸۵، ۱۴۷). پس از آن، راهبرد توسعه یک‌پارچه و فراگیر، تلاش داشت که ریشه‌های عمیق‌تری به تحولات مربوط به توسعه بدهد، اما ماندگاری این دیدگاه نیز به خاطر نقص در روش و پدید آمدن نتایج نامطلوب مورد تشکیک واقع شد. در دهه‌های اخیر، دیدگاه توسعه درون‌زا، دیدگاه غالب بوده است، که بر محوریت انسان به عنوان راه‌حل نهایی‌های از عدم توسعه‌یافتگی تأکید دارد.

تجربه تاریخی کشور ما ضمن تأکید بر اعمال راهبرد بالا به پایین در توسعه، از شکست آن در فرایند توسعه روستایی حکایت داد. بنابراین، بر مبنای این تجربه و افزایش حوزه معرفتی و دانش علمی، لازم است که جامعه، توجه به توسعه روستایی را با محوریت مشارکت مردمی، سرلوحه برنامه‌ها و تدابیر خود قرار دهد.

تأکید بر مشارکت، که نقطه وفاق اکثر دیدگاه‌های تعدیل‌یافته امروزین است، بیان می‌دارد که برای توسعه، به مشارکت مردمی نیاز مبرم و شدیدی وجود دارد که اگر مورد غفلت قرار گیرد، حرکت جوامع حرکتی غیرمؤثر و ناکارآمد (حرکت درجا) خواهد بود و هزینه‌زایی بالایی را برای تحولات آتی در بر خواهد داشت (شجاعی نصرآبادی، ۱۳۸۲، ۹). امروزه اهمیت نقش مؤثر مردم و مشارکت آنها در حرکت به سمت توسعه پایدار روستایی بر کسی پوشیده نیست و روشن است که برای حرکت به سمت توسعه‌ای پویا و پایدار که متعلق به مردم امروز و نسل‌های آینده باشد، باید خود مردم از دسترسی به فواید توسعه احساس رضایت و عدالت کنند. همان‌ها هم باید تعیین کنند که ملاک موفقیت یا عدم موفقیت چیست (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۲، ۴).

توسعه خودجوش و درون‌زا حکم می‌کند که در تمامی مراحل توسعه و در شرایط مختلف، مبنای کار بر جلب مشارکت مردم محلی در جهت بسیج منابع و نهادینه‌سازی مشارکت‌های محلی با تأکید بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی قرار گیرد. مشارکت مردم باعث می‌شود تا مردم با برنامه‌ها و عناصر جدید احساس بیگانگی نکنند و از سوی دیگر در طول طراحی و پس از آن در انجام و نگهداری طرح‌ها سهیم باشند، طرح و محصول به دست آمده را از آن خود بدانند و در نگهداری و پویایی آن بیشترین همکاری را داشته باشند.

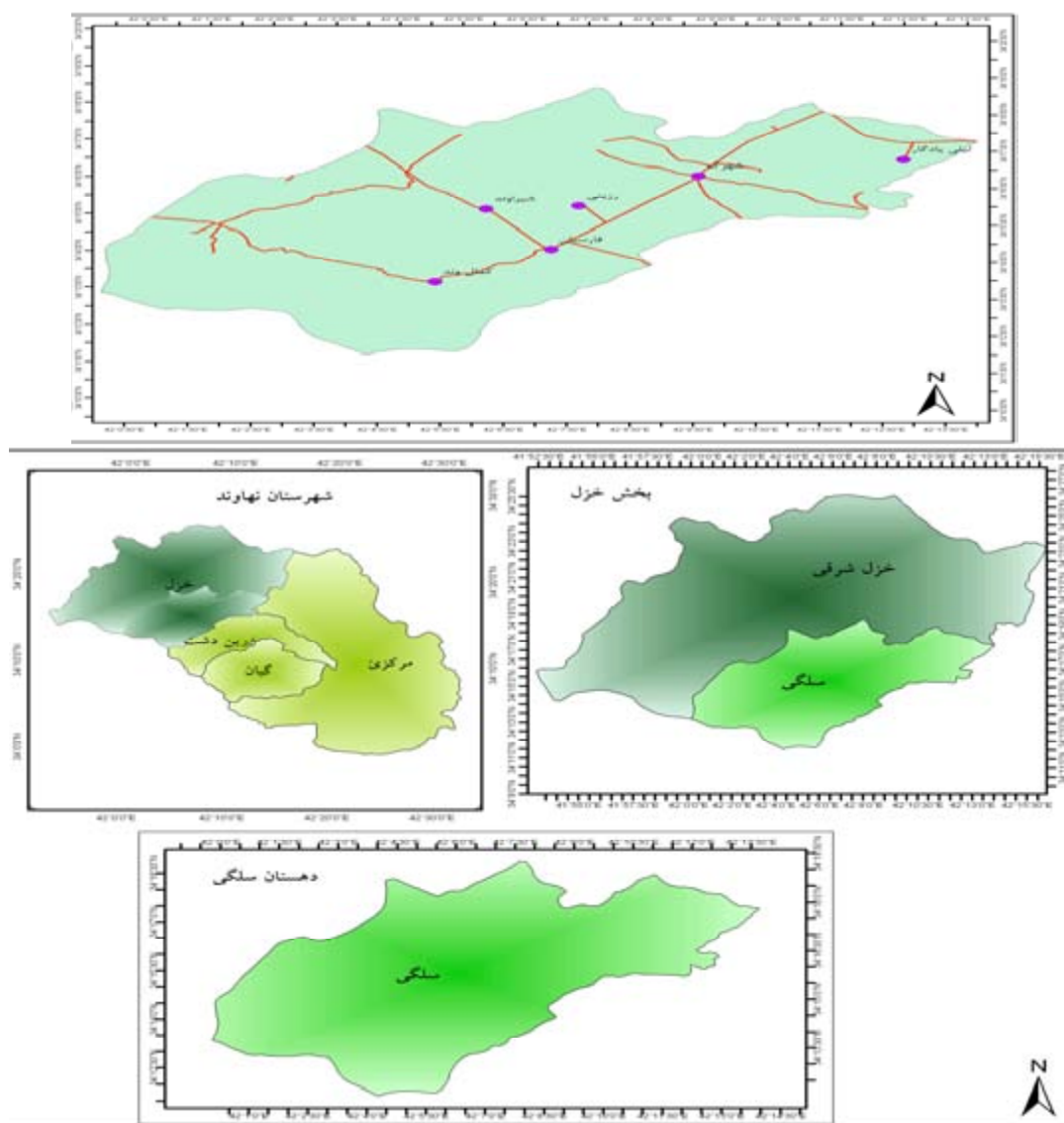
در مقوله توسعه روستایی، مشارکت و توانمندسازی مردم محلی دارای اهمیت فراوانی است. در گذشته، بر گزیدار «کار برای» مردم روستا تأکید می‌گردید، ولی امروزه و از دیدگاه مشارکتی بر گزیدار «کار به‌وسیله» مردم روستایی تأکید می‌شود. لذا توانمندسازی مردم روستا کمک مؤثری به آنان برای تشخیص، تجزیه و تحلیل مسائل و رویدادها و در نتیجه تصمیم مقتضی در مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده و متغیر می‌کند (حیاتی و دیگران، ۱۳۸۶، ۱۷۶).

در زمان حاضر با اینکه نقش و تأثیر مشارکت مردم در طرح‌ها و برنامه‌های روستایی و تصمیم‌گیری برای پیش‌برد روند توسعه در روستاها کاملاً محرز شده است، اما هنوز در روستاهای دهستان مورد مطالعه، توجهی به نقش و حضور مردم در توسعه روستا نمی‌شود، و مشارکت نتوانسته است جایگاه خود را نزد مردم و متصدیان امور توسعه دهستان پیدا کند. بدیهی است، مشارکت واقعی و کارآمد زمانی اتفاق می‌افتد که در کنار اعتقاد جامعه روستایی به آن، بتواند به صورت نهاد و سازمانی نظام‌مند و دارای هنجار و قانون عمل کند. با توجه به اهمیتی که مشارکت در توسعه روستایی می‌تواند داشته باشد، سؤال پژوهش حاضر این است که آیا رابطه‌ای بین مشارکت و توسعه روستایی در دهستان سلگی وجود دارد. با توجه به سؤال اصلی پژوهش، فرضیه‌ای بدین شرح مطرح می‌گردد که محوریت پژوهش را به خود اختصاص می‌دهد: «به نظر می‌رسد که بین مشارکت و توسعه روستایی در روستاهای دهستان سلگی رابطه وجود دارد».

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، از روش‌های کتابخانه‌ای، پیمایشی (استفاده از پرسش‌نامه) و روش توصیفی - تحلیلی به‌منظور بررسی و تحلیل وضعیت مشارکت در دهستان مورد مطالعه استفاده شده است.

پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از منابع و اطلاعات موجود در زمینه موضوع مورد مطالعه، روستاهای نمونه مشخص گردیدند. دهستان سلگی ۲۲ روستا دارد. برای انتخاب روستاهای نمونه، ابتدا روستاها از نظر موقعیت مکانی مورد بررسی قرار گرفتند. از ۲۲ روستای مورد مطالعه در تحقیق، ۱۵ روستا جلگه‌ای و ۷ روستای دیگر کوهستانی هستند. برطبق نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده، روستاها در این دو گروه مورد بررسی قرار گرفتند و از بین آنها نسبت درصد و سهم هر یک در کل روستاها مشخص گردید و ۶ روستا به عنوان نمونه انتخاب شد.



شکل ۱. موقعیت دهستان سلگی در شهرستان نهاوند

منبع: سایت GIS سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

واحد آماری در این پژوهش را هریک از سرپرستان خانوارهای ساکن در روستاهای بالای ۲۰ خانوار حوزه دهستان سلگی که در زمان مطالعه، یعنی در زمستان ۱۳۸۷ در محل حاضر بوده‌اند، تشکیل می‌دهد. مجموع تعداد خانوارهای آماری در دهستان، ۳۳۹۵ خانوار است که از بین آنها ۳۴۵ خانوار با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران به عنوان جامعه نمونه مشخص گردیده است. در مرحله بعد، براساس نمونه‌گیری سهمیه‌ای، به نسبت تعداد خانوارها در هر روستا تعداد افراد نمونه مشخص گردید و در نهایت براساس فهرستی که از کل خانوارهای هر روستا تهیه شده بود، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد افراد نمونه مشخص شد.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه، روستاهای دهستان سلگی بخش خزل نهاوند است. براساس آخرین تقسیمات کشوری، دهستان سلگی یکی از دهستان‌های بخش خزل شهرستان نهاوند است که در فاصله اندکی از شهر فیروزان قرار گرفته و دارای ۲۲ آبادی دارای سکنه است. در اطراف این دهستان، دهستان‌های خزل شرقی در شمال شرقی، طریق‌السلام در شمال غربی، گرین و فضل در جنوب و جنوب شرقی قرار گرفته‌اند. همان‌طور که پیش از این گفته شد، از بین روستاهای دهستان سلگی ۶ روستا به عنوان نمونه برگزیده شده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. درصد پرسش‌نامه‌های توزیع شده در روستاهای نمونه

روستاهای نمونه	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
فارسبان	۴۶	۱۳/۳	۱۳/۳	۱۳/۳
کمال‌وند	۵	۱/۴	۱/۴	۱۴/۸
لیلی‌یادگار	۳۷	۱۰/۷	۱۰/۷	۲۵/۵
شهرک	۱۰۲	۲۹/۶	۲۹/۶	۵۵/۱
شیراوند	۳۷	۱۰/۷	۱۰/۷	۶۵/۸
رزینی	۱۱۸	۳۴/۲	۳۴/۲	۱۰۰/۰
کل	۳۴۵	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

منبع: پژوهش‌های میدانی نگارندگان

اهمیت مشارکت روستایی

همگان بر این نکته اذعان دارند که مشارکت در عمل فصلی از توسعه به‌شمار می‌آید، تا آنجا که گاه توسعه را معادل مشارکت می‌دانند. از این روست که هیچ نوع توسعه‌ای تحقق نخواهد یافت، مگر آنکه مردم تشویق شوند تا سطح زندگی‌شان را ارتقا دهند (بدری و نعمتی، ۱۳۸۸، ۷۱).

کمتر کسی با این نکته مخالف است که مشارکت مردم اساس موفقیت هر طرح توسعه روستایی است. مشکل بر سر تأکید بر اهمیت مشارکت نیست، بلکه در زمینه توسعه روستایی، دستیابی به توافق درباره مفهوم این واژه اهمیت دارد، به شرطی که چنین عملی هم معتبر و هم امکان‌پذیر باشد (مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۸۲، ۸۳).

مشارکت، مفهومی ذاتی در جوامع بشری است که برای تحکیم آن، نیاز به برنامه‌ریزی از پایین به بالا و ارتباط بین همه مؤلفه‌های موجود در این زمینه وجود دارد (Wang, Xiaojun et al., 2008, 86).

تأکید بر اصل مشارکت در برنامه‌ریزی به این دلیل است که توسعه بیش از هر چیز به انگیزش و یادگیری نیازمند است و در بهبود و کفایت مستمر توانایی‌های درونی تجلی می‌یابد، و این امر مستلزم مشارکت در تمامی مراحل یک برنامه‌ریزی توسعه‌ای است. مشارکت موردنظر علاوه بر دوره طراحی برنامه‌ها، همه مراحل مطالعات، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، ارزیابی، تأمین منابع، اجرا، نظارت و ارزش‌یابی را نیز در بر خواهد گرفت (رضوانی، ۱۳۸۳، ۲۱۴).

مشارکت در بسیاری از موارد به عنوان وسیله و ابزاری محوری تلقی می‌شود؛ به این مفهوم که به کنشگران خرد^۱ امکان می‌دهد تا وارد صحنه‌های کلان تصمیم‌گیری بشوند (شکوری، ۱۳۷۸، ۹۰).

مردم به کمک مشارکت و بدون اتکای جدی بر برنامه‌های رسمی می‌توانند بر مشکلاتشان فایز آیند، یعنی خوداتکا شوند و نیازهای اساسی‌شان را رفع کنند (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۵، ۱۱).

در این زمینه، تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی متمرکز، آمرانه و از بالا به پایین، دستاورد مطلوبی نداشته است. هرچه سطوح مشارکت محدودتر باشد، امکان اجرایی و کارآمد شدن برنامه‌ها کاهش خواهد یافت و هزینه‌های اجرا و نظارت مرکزی افزایش می‌یابد و آسیب‌پذیری طرح‌ها و سیاست‌ها بالا خواهد رفت (رضوانی، ۱۳۸۳، ۲۱۴).

آینده‌ای امیدوارکننده، زمانی به وقوع خواهد پیوست که مردم مشتاق باشند در امر توسعه مشارکت کنند و منابع‌شان را در مسیر توسعه جامعه‌شان به کار گیرند. از این رو ضروری است که دولت تلاش کند تا مردم را در همه مراحل هر پروژه پیشنهادی شرکت دهد (Agwu, 2005, 272).

با گسترش مفهوم مشارکت در میان دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران توسعه و به‌ویژه توسعه روستایی، عده زیادی از فعالان توسعه به ارائه راهکارهای علمی و منطقی در جهت ترغیب و تشویق به مشارکت و از طرفی اهمیت موضوع مشارکت در توسعه پرداخته‌اند. برای نمونه، گاندی خواهان تحول روستاها از طریق توسعه درونی آن‌ها و تبدیل‌شان به مکان‌هایی زیست‌پذیر و متناسب با رشد و ترقی بود (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۵، ۱۲۱).

چمبرز در مباحث خود بارها به این مسئله اذعان کرده است که «هر تلاشی برای درک فقر و علل فقر آنها - که منشأ بی‌مشارکتی است - باید با دگرگونی و تغییر باطنی خود مصلحان و دست‌اندرکاران توسعه شروع شود»، زیرا آنها همواره با سوگیری‌ها و تعصبات‌شان توجیهاتی می‌کردند که بر مبنای آن، فقر روستایی را جزئی از نظم الهی می‌دانستند که فقرا به آن عادت کرده‌اند (چمبرز، ۱۳۷۶، ۱۳۵).

نتایج سال‌ها تجربه نظام تمرکزگرا، بدون توجه به مشارکت مردمی در ایران، بیانگر هدر رفتن سرمایه‌های ملی - اعم از مادی و معنوی - و نیز هدر رفتن امکانات دولتی و درنهایت نارضایتی روستاییان از دولت و فعالیت‌های عمرانی، ناقص ماندن برخی از طرح‌های عمرانی، عدم موفقیت و مداومت در اجرای برخی از این طرح‌ها و عدم احساس مسئولیت افراد مرتبط با این حوزه بوده است (قاسمی، ۱۳۸۴، ۷۹).

در زمان حاضر، مشارکت در توسعه روستایی اگر نگوئیم به عنوان مسئله‌ای حیاتی و اساسی، دست‌کم به عنوان پدیده‌ای سودمند پذیرفته شده و فرض بر این است که مشارکت بیشتر، بهتر از کم بودن آن است. به نظر می‌رسد که راهبردهای گذشته توسعه روستایی به خاطر فقدان این امر شکست خورده‌اند (Lowe et al., 2005, 14).

بدین ترتیب، الگوواره جدید مدیریت روستایی باید سمت‌وسویی مشارکتی داشته باشد و به این نکته مهم توجه کند که دستیابی به توسعه پایدار، منوط به افزایش ظرفیت‌ها در تمام امور است. جامعه‌ای توسعه‌یافته‌تر خواهد بود که بر سرنوشت خود تسلط بیشتری داشته باشد. در غیر این صورت، اگر جامعه‌ای به سطحی از رشد اقتصادی، اجتماعی برسد، اما قدرت اختیار و انتخاب از آن سلب شود، تنها مرحله‌ای از رشد را طی کرده ولی فاقد توسعه است (حسینی، ۱۳۸۶، ۲). بنابراین، عظیم‌ترین سرمایه‌ای که هر روستا می‌تواند با اتکال به آن، مراحل عمران و آبادانی را طی کند، چیزی جز مشارکت ساکنان آن روستا در بهبود شرایط سکونتگاه خود نیست (امیری، ۱۳۸۴، ۳۳). مشارکت لازمه توسعه روستایی است و برنامه‌ریزی‌های مشارکتی در جوامع روستایی، سبب ارتقای کیفی جوامع روستایی و گرایش به توسعه‌ای خودجوش از درون جامعه می‌گردد.

ارتباط بین مشارکت و توسعه روستایی

روستا و جامعه روستایی بخش مهمی از جوامع در حال توسعه را تشکیل می‌دهد. تجربه توسعه - به‌ویژه در این گروه از جوامع - نشان می‌دهد که توسعه روستایی نقش مهمی در رسیدن به اهداف توسعه در سطح ملی دارد؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران، توسعه روستایی را موتور محرکه توسعه در کشورهای جهان سوم - به‌ویژه در مراحل اولیه توسعه - برشمرده‌اند و دستیابی بدان را ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌دانند (جمعه‌پور، ۱۳۸۴، ۵۶).

با وجود قدمت مشارکت در میان جوامع انسانی و عمل به آن، واژه‌های مشارکت و مشارکتی برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰ مطرح گردیده، ولی در عرصه توسعه روستایی با تأخیر، مورد استفاده قرار گرفته است. کاربرد واژه مشارکت در برنامه توسعه روستایی، موضوعی است که آغاز آن به دهه‌های ۱۹۷۰ و شاید ۱۹۸۰ برمی‌گردد. رشد و گسترش راهبردهای توسعه مبتنی بر رشد اقتصادی و صنعتی شدن کشورهای مغرب زمین و در پیش گرفتن چنین راهبردی در بسیاری از کشورهای جهان سوم، موجب شد تا پیامدهای منفی از قبیل مهاجرت و جابه‌جایی شدید جمعیتی، و افزایش شکاف بین مناطق شهری و روستایی حادث شود. در نتیجه، بسیاری از کشورها و نظریه‌پردازان توسعه، درصدد برآمدن تا درخصوص رهیافت‌های اتخاذ شده، تجدیدنظر کنند. از این رو، مشارکت روستاییان و سازوکارهای جلب و به‌کارگیری آن در برنامه‌های توسعه روستایی مورد توجه واقع گردید و مفهوم جدیدی از توسعه با عنوان توسعه مشارکتی وارد نوشتارهای توسعه شد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۸۳).

دلایل توجه روزافزون به رویکردهای مشارکتی توسعه از دهه ۱۹۷۰ به بعد را می‌توان در کاستی‌های موجود در رهیافت‌های به کار رفته در گذشته در زمینه توسعه و پیامدهای منفی آن جست‌وجو کرد (Lea and Chaudhri, 1983, 22).

مشارکت در نواحی روستایی به مفهوم سامان‌دهی رابطه متقابل انسان روستایی با محیط جغرافیایی یا بهره‌وری

بهینه در سطوح مختلف تولید کشاورزی است. این امر مهم در گذشته از طریق نظام‌های همکاری گروهی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و تولید کشاورزی انجام گرفته است. امروزه نیز برای دستیابی به فرایند توسعه درون‌زا، متکی به خود و پایدار روستایی، بازنگری در خصوص سازمان‌دهی همکاری در نواحی روستایی - که ریشه در فرهنگ جغرافیایی آن دارد - اجتناب‌ناپذیر است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۱۰۸).

در توسعه مشارکتی روستایی، بر تواناسازی مردم روستایی و استفاده از حضور آنان در برنامه‌ریزی و عمل تأکید می‌شود، و به تدریج پذیرفته می‌شود که در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها، رایزنی با گروه‌های بهره‌ور الزامی است. دیویس (1970) بر این باور است که کسی که در قایق همراه شماست، هرگز سوراخی در آن ایجاد نمی‌کند (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۵، ۱۱). مشارکت در زمینه توسعه روستایی شامل دخالت دادن مردم در فرایند تصمیم‌گیری، اجرای طرح‌ها، سهم آنان در منافع توسعه و مداخله آنها در ارزیابی این‌گونه طرح‌ها می‌شود (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰، ۳۳).

ضرورت توسعه و تحول پویا و هماهنگ کشور - به‌ویژه در نواحی روستایی - ضرورت مشارکت مردمی را در کلیه برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها در سطح کلان و انجام پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای و برنامه‌ریزی محلی، بیش از پیش حتمی ساخته است. در جامعه محلی، هدف این است که مردم برانگیخته شوند تا خودشان را از قاعده تا رأس در نهادهایی مشارکتی سازماندهی کنند.

مشارکت همه‌جانبه، برای توسعه نواحی روستایی ضروری است، چرا که هر کدام از بخش‌ها به تنهایی منابع ضروری و لازم را برای دستیابی به توسعه ندارند (Misra and Suar, 2005, 545).

تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

به‌منظور ارزیابی نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستایی منطقه مورد مطالعه، ۶ روستای نمونه از نظر برخورداری از شاخص‌های اقتصادی، رفاهی و فرهنگی بررسی شدند (جدول ۲) و رابطه درصد توسعه‌یافتگی روستاهای مورد بررسی با میزان اعتقاد به مشارکت آنها در توسعه روستایی (با استفاده از گویه‌های موجود در پرسش‌نامه) با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد سنجش قرار گرفت (جدول ۳). نتیجه به‌دست آمده بیانگر وجود ارتباط میان میزان مشارکت مردم روستایی و سطح توسعه‌یافتگی روستاهای منطقه در سطح ۹۵ درصد است.

برای ارزیابی مشارکت روستاییان در روند توسعه روستایی و میزان اعتقاد آنها به مشارکت در امور مربوط به توسعه، از سؤالات مختلف موجود در پرسش‌نامه Z گرفته شد تا بتوان شاخص‌های مختلف توسعه را با یکدیگر مقایسه کرد. سپس میزان مشارکت روستاییان و ارتباط آن با سطح توسعه‌یافتگی روستاها - که از طریق شاخص‌های مذکور و سؤالات موجود در پرسش‌نامه، سطح سواد، آگاهی و رضایت از زندگی و همزیستی در روستاهای نمونه را مورد سنجش قرار داده است - از طریق آزمون همبستگی پیرسون اندازه‌گیری شده است.

جدول ۳ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی دو متغیر مشارکت و سطح توسعه‌یافتگی روستاها ۰/۱۳۷ است و رابطه

بین دو متغیر در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است. در این بررسی، جهت رابطه مثبت، و شدت رابطه ضعیف است.

جدول ۲. میزان برخورداری از شاخص‌های توسعه روستایی

شاخص‌های توسعه	رزینی	شهرک	شیراوند	فارسبان	کمالوند	لیلی یادگار
جمعیت	۳۲۹۴	۳۰۰۹	۹۹۶	۱۲۲۸	۱۳۱	۱۱۳۳
باسواد (درصد)	۷۰/۷۳	۷۳/۵۷	۷۳/۴۹	۷۲/۲۳	۶۱/۰۶	۷۸/۷۲
مینی‌بوس	۵	۴	۳	۶	۰	۴
سواری	۱۵	۱۶	۱۱	۲۰	۳	۱۰
وانت	۲۴	۱۷	۵	۱۲	۲	۶
خرمن کوب	۷۲	۶۷	۸	۶	۴	۲۲
چاه عمیق	۱۷	۹	۱	۵	۰	۱۶
تعمیرگاه ماشین	۲	۳	۰	۱	۰	۰
بانک	۱	۱	۰	۰	۰	۰
خدمات رایانه	۴	۳	۰	۱	۰	۱
کتابخانه	۱	۱	۰	۰	۰	۰
پست‌بانک	۱	۱	۰	۱	۰	۰
آسیاب	۲	۱	۰	۰	۰	۴
بقالی	۳۰	۵۱	۹	۱۱	۰	۷
نانوایی	۴	۳	۰	۲	۰	۱
حمام عمومی	۳	۲	۰	۱	۰	۱
قصایی	۵	۴	۰	۱	۰	۱
کارگاه تولیدی	۱	۱	۰	۰	۰	۰
درمانگاه	۱	۱	۰	۰	۰	۰
داروخانه	۱	۱	۰	۰	۰	۰
بهبیاری	۱	۱	۰	۱	۰	۰
خانه بهداشت	۱	۱	۰	۱	۰	۰
دندان‌پزشک	۱	۱	۰	۰	۰	۰
اینترنت	۱	۱	۰	۱	۰	۱
صندوق اعتباری	۰	۱	۰	۰	۰	۰
شورا	۱	۱	۱	۱	۱	۱
دهیاری	۱	۱	۱	۱	۱	۰
آب لوله‌کشی	۱	۱	۱	۱	۰	۱
مرکز خدمات کشاورزی	۰	۰	۰	۱	۰	۰
تعاونی	۲	۱	۰	۱	۰	۱
پایگاه مقاومت بسیج	۱	۲	۱	۱	۰	۰
درصد عضویت افراد در پایگاه مقاومت بسیج	۴۷/۸	۴۳/۳	۳۲	۵۶/۴	۰	۰
کانون فرهنگی	۱	۰	۰	۰	۰	۰
مسجد	۳	۴	۱	۲	۰	۱

منبع: بخش‌داری خزل شهرستان نهبوند، ۱۳۸۷

جدول ۳. ارتباط بین سطح توسعه یافتگی روستایی با میزان مشارکت مردم

مشارکت Z	سطح توسعه یافتگی روستاها	آماره	
۰/۱۳۷*	۱	همبستگی پیرسون	سطح توسعه یافتگی روستاها
۰/۰۱۱	.	احتمال محاسبه شده (دو طرفه)	
۳۴۵	۳۴۵	تعداد	
۱	۰/۱۳۷*	همبستگی پیرسون	مشارکت Z
.	۰/۰۱۱	احتمال محاسبه شده (دو طرفه)	
۳۴۵	۳۴۵	تعداد	

* رابطه، در سطح ۹۵ درصد معنادار است (دوطرفه)

برای سنجش سطح مشارکت هر کدام از روستاهای مورد مطالعه، از آزمون کروسکال والیس استفاده شده است (جدول ۴). در این آزمون نشان داده شد که هر روستا با توجه به سطح توسعه یافتگی دارای مشارکت بیشتری است.

جدول ۴. رتبه مشارکت هر کدام از روستاهای نمونه

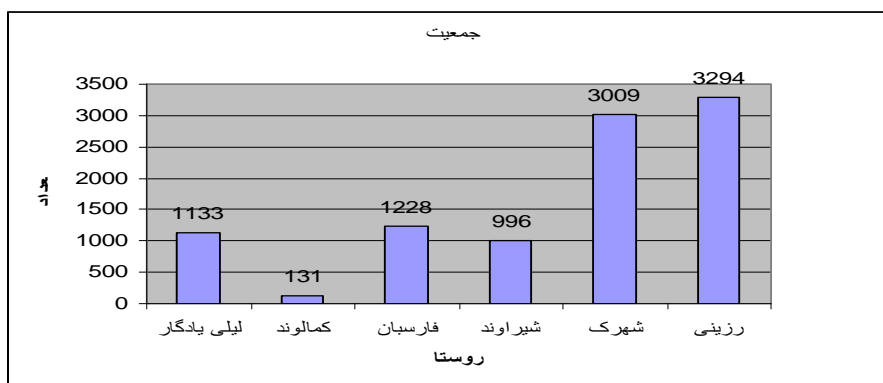
میانگین رتبه	تعداد	روستا	شرح
۱۷۱/۱۵	۴۶	فارسبان	مشارکت
۱۲۲/۹۰	۵	کمالوند	
۱۷۷/۲۴	۳۷	لیلی یادگار	
۱۷۶/۷۷	۱۰۲	شهرک	
۱۵۲/۶۲	۳۷	شیراوند	
۱۷۷/۶۴	۱۱۸	رزینی	
	۳۴۵	کل	

آزمون آماری (الف و ب)

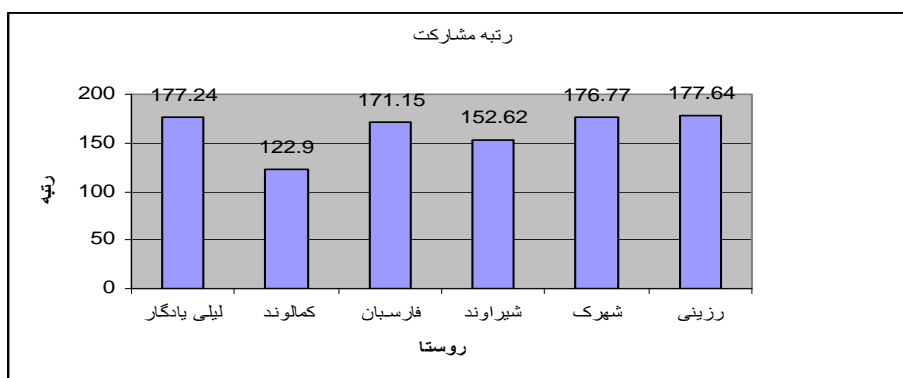
مشارکت	
۳/۲۹۱	چی دو
۵	درجه آزادی
۰/۶۵۵	احتمال محاسبه شده

الف) آزمون کروسکال والیس
ب) گروه متغیرها: روستایی

پس از محاسبه میزان مشارکت روستاییان در امور مربوط به توسعه روستایی از طریق آزمون کروسکال والیس، مشخص شد که به ترتیب روستاهای رزینی با میانگین رتبه ۱۷۷/۶۴، لیلی یادگار با میانگین رتبه ۱۷۷/۲۴، شهرک با میانگین رتبه ۱۷۶/۷۷، فارسبان با میانگین رتبه ۱۷۱/۱۵، شیراوند با میانگین رتبه ۱۵۲/۶۲ و کمالوند با میانگین رتبه ۱۲۲/۹۰ دارای مشارکت بیشتری هستند و مردم این روستاها به ترتیب تمایل و اعتقاد بیشتری به امور مشارکتی دارند. لازم به ذکر است که دارا بودن جمعیت بالا به خودی خود نمی تواند شاخص توسعه یافتگی و مشارکت بیشتر روستاییان در امور مربوط به توسعه باشد؛ همچنان که در این پژوهش، روستایی چون لیلی یادگار که دارای جمعیت کمتری از روستای رزینی است تا حدودی میانگین مشارکتی همسانی با آن دارد (شکل ۲ و ۳).



شکل ۲. جمعیت روستاهای نمونه



شکل ۳. مشارکت در هر کدام از روستاهای نمونه

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه نشان می‌دهد، در صورتی که روستایی از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی در وضعیت مطلوب‌تری قرار داشته باشد، میزان مشارکت در آن افزایش می‌یابد و چنانچه مشارکت به صورت پویا و فعال وجود داشته باشد، زمینه‌های ارتقای وضعیت اقتصادی نیز فراهم می‌گردد.

برای ایجاد همبستگی قوی بین توسعه و مشارکت آگاهانه مردم در امور توسعه روستاهای دهستان موردنظر، علاوه بر اثبات وجود رابطه بین این دو متغیر لازم است که موانع و مشکلات ساختاری که تحقق مشارکت واقعی روستاییان را به دنبال دارند، شناسایی شوند و راهکارهایی برای رفع آنها سنجیده شود.

از عمده‌ترین موانع موجود بر سر راه توسعه همه‌جانبه و پایدار روستایی، نادیده گرفتن توانایی‌های بالای روستاییان در زمینه‌های مختلف است. در واقع به جای اینکه روستاییان به عنوان عوامل اصلی توسعه روستایی مطرح گردند. به دریافت‌کنندگان منفعل فکر و خدمات تبدیل شده‌اند و در گردونه نظام پیچیده بوروکراسی (دیوان‌سالاری) دولتی گرفتار آمده‌اند (Carmen, 1993, 8).

نتیجه تحقیق و بررسی در روستاهای منطقه مورد مطالعه، نشانگر وجود عوامل متعدد بازدارنده در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است، که هر کدام از آنها بایستی به‌طور جداگانه و در ارتباط با هم از میان

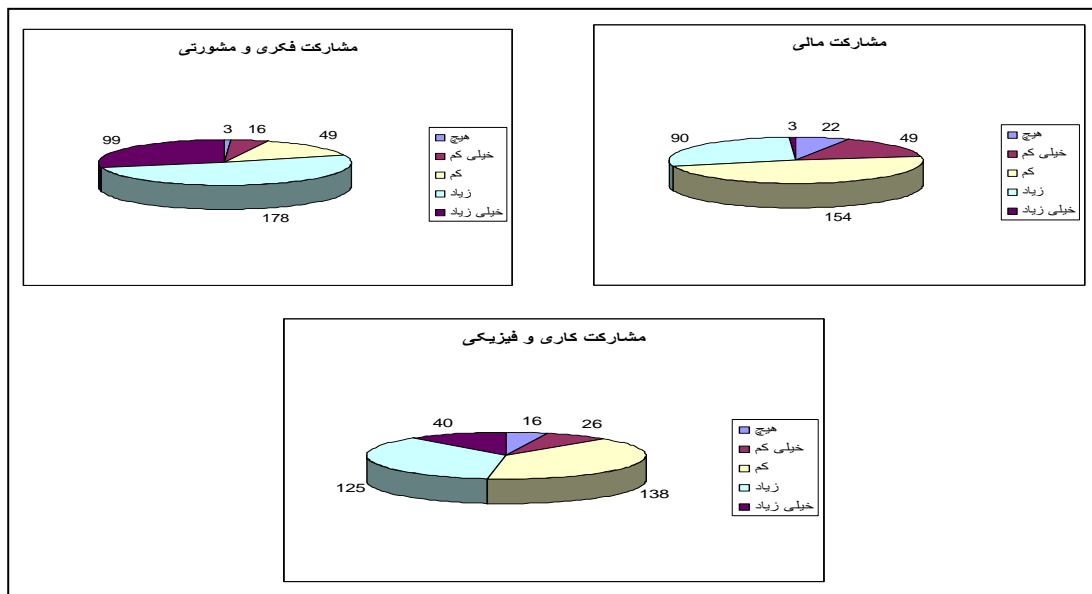
برداشته شوند تا بتوان به توسعه‌ای مشارکتی و درون‌زا دست یافت. در ادامه، هر یک از این موانع جداگانه بررسی شده‌اند و راهکارهایی در جهت رفع آنها ارائه می‌گردد.

موانع اقتصادی

از معضلاتی که امروز دامنگیر روستاهای دهستان مورد مطالعه است، جوانی جمعیت و نیاز به کار و درآمد برای آنان است. عدم کفایت زمین‌های کشاورزی برای نیروی جوان جوای کار سبب مشکلات اقتصادی و کاستی‌هایی در این زمینه شده و به همین دلیل توان و انگیزه مشارکت آنان - به‌ویژه مشارکت مالی - کاهش یافته است. در سنجش اعتقاد به مشارکت در دهستان، پاسخگویان کمترین مشارکت را در زمینه مالی داشته‌اند (شکل ۴).

جدول ۵. نوع مشارکت در دهستان سلگی

مشارکت	هیچ	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
مالی	۲۲	۴۹	۱۵۴	۹۰	۳۰
فکری و مشورتی	۳	۱۶	۴۹	۱۷۸	۹۹
کاری و فیزیکی	۱۶	۲۶	۱۳۸	۱۲۵	۴۰



شکل ۴. نوع مشارکت در دهستان سلگی

شکل ۴ نشان می‌دهد که به ترتیب بیشترین تمایل روستاییان به مشارکت فکری و مشورتی، مشارکت کاری و فیزیکی، و مشارکت مالی بوده است. از طرف دیگر، بسیاری از برنامه‌های طراحی شده برای روستاها مستلزم وجود امکانات مالی و توان اقتصادی بالاست. طبیعتاً زمانی که بسیاری از روستاییان هنوز در دستیابی به شغل مناسب و درآمد کافی با مشکل مواجه‌اند، نمی‌توان انتظار داشت که در اجرای این برنامه‌ها مشارکت مطلوبی داشته باشند. انگیزه جلب مشارکت روستاییان، امید به آینده و احساس نیاز به شکوفایی است؛ که این امر تا زمانی که مشکلات شغلی و درآمدی در درجه اول قرار دارد، فرصت ظهور پیدا نمی‌کند.

موانع اجتماعی

یافته‌های پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد که از موانع مشارکت گسترده روستاییان در دستیابی به توسعه روستایی، کاهش اعتماد اجتماعی روستاییان به عملکرد دولت است. این عامل به عنوان سد محکمی در برابر هماهنگی و مشارکت در برنامه‌ها عمل می‌کند. در گذشته‌ای نه چندان دور، در روستاهای دهستان سلگی ارتباط‌های هم‌پیوند و مشارکتی مردم در سطح بالایی قرار داشت و بخش عظیمی از کارهای روستا و حتی کارهای شخصی افراد در خانه‌ها به صورت گروهی انجام می‌پذیرفت. اما پس از حضور دولت به عنوان برنامه‌ریز در روستاها، کم‌کم این حلقه‌های پیوند سست شدند و مردم بسیاری از کارها را یا وظیفه دولت برشمردند و یا دیگر خود را در برابر یکدیگر و در برابر روستای‌شان مسئول نمی‌دانستند.

در این دهستان، روستاهایی دیده می‌شوند که در درون خود دارای چند طایفه و فامیل‌اند و هر کدام از آنها خودشان را بیش از دیگری مخیر امور روستا می‌دانند. همین امر مانع از تجمع افکار و ایده‌ها می‌گردد و دستیابی به نتیجه مطلوب را دشوار می‌سازد. افزون بر این، وجود اختلافات بین روستاهای مختلف در برخی زمینه‌ها خود از عوامل بازدارنده است. مثلاً اختلاف بین روستاهای فارسبان و کمالوند بر سر آب کشاورزی از عواملی است که زمینه‌های مشارکت را کمتر می‌کند.

موانع فرهنگی

سطح آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی مردم و آگاهی‌شان از سودمندی برنامه‌های مشارکتی در روستاهای دهستان سلگی به‌ویژه روستاهای کوچک‌تر و دورافتاده‌تر (لیلاس، امین‌آباد، علی‌آباد، کمالوند و ...) که تنها منبع دسترسی‌شان به اخبار سیاسی و اجتماعی مرز و بوم‌شان، تلویزیون است، بسیار پایین است و همه روستاهای دهستان برای دستیابی به منابع آگاهی و اطلاعات، می‌بایست به شهر مراجعه کنند. انزوای رسانه‌ای از عوامل بسیار مهمی است که روستاییان را از اهمیت پرداختن به امور مشارکتی و آگاهی در این زمینه غافل کرده است.

تقدیرگرایی و سپردن امور به سرنوشت - به‌ویژه در بین نسل کهنسال روستایی - از موانع مهم بر سر راه مشارکت به‌شمار می‌آید. هر چقدر که سطح سواد و آگاهی روستاییان پایین‌تر باشد، تقدیرگرایی و اتکای به سرنوشت در آنها بیشتر می‌شود، این ویژگی از مشارکت مردم روستایی جلوگیری می‌کند و انگیزه پرداختن به کارهای مشارکتی را کاهش می‌دهد.

موانع سیاسی

تصدی‌گری دولت و تمرکز تصمیم‌گیری‌ها از موانع بسیار مهم بر سر راه مشارکت روستاییان به‌شمار می‌آید. زمانی که دولت به صورت همه‌جانبه مسئولیت برنامه‌ریزی‌ها را در سطوح خرد و کلان برعهده گرفت، زمینه‌های مشارکت روستاییان به سرعت از بین رفت و از روستاییان صرفاً در اجرای برنامه‌های تزریقی از سوی دولت استفاده گردید.

نتیجه گیری

اگر مردم روستا به امکانات مالی و اختیارات کافی برای اجرای طرح‌های شان دسترسی نداشته باشند، مشارکت به سرعت جای خود را به بی‌علاقگی خواهد داد و به بیگانگی اجتماعی می‌انجامد.

برای حل این معضل، می‌توان از نیروی جوان و تحصیلکرده دهستان که اغلب جویای کار و به دنبال مسیری برای کسب معاش هستند، بهره گرفت و یک نهاد یا سازمان غیردولتی تشکیل داد که بتواند اهداف مهم آموزشی و مشاوره‌ای را پی‌گیری کند و در زمینه‌های مختلف حقوقی، بهداشتی، زراعی و دیگر موارد، انگیزه‌ساز و محرک روستاییان باشد. مثلاً در روستاهایی مانند روستای شهرک و فارسبان که دارای تحصیلکرده‌های جویای کار هستند، می‌توان اقدام به ایجاد سازمان‌های غیردولتی و خودجوش کرد، تا هم معضل بیکاری کاهش پیدا کند و هم سهم مشارکت آنان در توسعه روستای شان افزایش یابد.

ایجاد صندوق‌های اعتباری و قرض‌الحسنه - به‌ویژه در میان زنان روستایی - ضمن اینکه تا حدودی بهبود وضعیت اقتصادی خانوارهای روستایی را به دنبال دارد، زمینه‌های مشارکت پویا و فعال را نیز فراهم می‌آورد. اینک در برخی از روستاهای دهستان - به‌ویژه در روستاهایی که زنان خانه‌دار بیشترند - در بین زنان روستایی توافق‌ها و صندوق‌های دوره‌ای دیده می‌شود که توانسته است بسیاری از مشکلات آنان را حل کند و فرصت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری را برای آنان فراهم آورد. این صندوق‌ها باعث ایجاد اعتماد و انسجام درونی در بین زنان روستایی می‌گردد، که خود زمینه مشارکت بیشتری را فراهم می‌سازد. در این صندوق‌ها، زنان سرمایه خود را که غالباً از ۵۰ هزار تومان در ماه تجاوز نمی‌کند در اختیار صندوق می‌گذارند و هر ماه یک نفر در قرعه‌کشی برنده می‌شود، با این کار آنان یک وام بدون سود و بهره دریافت می‌کنند و در پایان هر ماه اقساط آن را می‌پردازند. برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از این وام‌ها برای امور تولیدی، در افزایش بهره‌وری زنان روستایی مؤثر خواهد بود.

در رفع موانع اجتماعی، شناسایی تشکلهای و نهادهای درونی و مخفی در لایه‌های اجتماعی روستاها و تقویت آنها برای رشد و توسعه هر چه بیشتر مؤثر خواهد بود. این تشکلهای غالباً در بین جوانان و زنان روستایی دیده می‌شوند. لزوم حمایت دولت از نهادهای مشارکتی و تلاش برای ایجاد زمینه ظهور نهادهای مشارکتی جدیدتر کاملاً احساس می‌شود. مثلاً در روستاهایی مانند روستای کمالوند - که هیچ نهاد مشارکتی وجود ندارد - می‌توان یک کانون گردهمایی ایجاد کرد و در بین روستاییان وفاق و همبستگی بیشتری به وجود آورد، که این خود قابلیت گرایش افراد به یکدیگر را بالا می‌برد و تعامل و همکاری بین آنها را تقویت می‌کند.

داشتن نگرش اجتماعی و فرهنگی به مشارکت و توسعه روستایی، ضروری است، چرا که توسعه و مشارکت در توسعه روستایی نیاز به انگیزش درونی و همراهی مستمر روستاییان دارد، که مستلزم تغییر ساختاری عمیق در برنامه‌های مربوط به توسعه روستایی است. بدیهی است، اگر طرح‌های هادی روستایی که هم‌اکنون در حال اجرا در برخی از روستاهای دهستان سلگی هستند و طرح‌هایی که در آینده باید در دیگر روستاها به اجرا درآیند، دارای ماهیتی مردمی و مشارکتی باشند، با سرعت و کیفیت بسیار بالاتری به اجرا درخواهند آمد. مثلاً در روستایی چون فارسبان، به خاطر اینکه مردم از همان ابتدای امر و در برنامه‌ریزی برای روستاهای شان در نظر گرفته نشده‌اند، هم‌اکنون در بسیاری از موارد

اجرای طرح هادی روستا با مشکلات زیادی چون عدم همکاری مردم روبه‌رو شده است؛ مثلاً مشکل عدم همکاری در عقب‌نشینی فضاهای مسکونی در این روستاها، که بلوکه شدن بودجه برای اجرای برنامه‌ها را در پی داشته است. در رفع موانع فرهنگی موجود بر سر راه مشارکت در روستاهای دهستان، بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم برای ایجاد فضایی نو از طریق جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری با همکاری رسانه‌ها و سازمان‌های گروهی و سازمان‌های رسمی تعلیم و تربیت امکان‌پذیر است.

ارتباط مستمر و مشاوره با روستاییان و آگاهی‌بخشی به آنها در خصوص منابع و امکانات و محدودیت‌های‌شان و همین‌طور آگاهی از مشکلات و موانع موجود بر سر راه آنها یکی دیگر از راه‌های در خور توجه است. شوراهای روستایی در دهستان سلگی، به جای پرداختن به اختلاف درونی بین خودشان (مانند روستای رزینی) بهتر است که با روستاییان در ارتباط مداوم باشند و آنان را به همکاری و مشارکت با یکدیگر و مدیریت محلی بکشانند.

در رفع موانع سیاسی موجود بر سر راه مشارکت، مواد زیر قابل ذکر هستند:

- دادن اختیار به مردم محلی و سطوح پایین اجتماع در زمینه‌های مدیریت محلی روستایی.
- ضرورت برنامه‌ریزی با مردم به جای برنامه‌ریزی برای مردم و بخشیدن صورت عملی‌تر و واقعی‌تر به برنامه‌های اجرایی در سطح روستاها. بهتر است در روستاهایی که هنوز طرح هادی آنها نوشته نشده است، قبل از هر عملی از نظر و سلیقه مستقیم روستاییان بهره برده شود.
- استقلال بخشیدن به نهادها و واحدهای مشارکتی و عدم دخالت در امور آنها.
- لزوم به‌کارگیری مردم در همه سطوح برنامه‌ریزی روستایی.

به‌طور کلی می‌توان گفت که در دهستان سلگی به‌رغم وجود مشکلات و موانع فراوان بر سر راه مشارکت و به‌کارگیری آن در توسعه روستایی، وجود میل ذاتی روستاییان به امور مشارکتی و حضور گسترده آنان در بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای، می‌تواند راه‌گشا باشد؛ همچنان که نگاهی به گویه‌های پرسش‌نامه‌های توزیع‌شده در بین روستاییان نشان می‌دهد که میل به مشارکت - به‌ویژه مشارکت فکری و مشورتی - در میان روستاییان در حد مطلوبی است. با افزایش توان اقتصادی روستاییان دهستان - که آن نیز با مشارکت خودشان میسر است - می‌توان انتظار داشت که بر میزان مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای در روستاها افزوده شود. بی‌شک انگیزه مشارکت در بین روستاییان بیش از هر چیزی به اقدامات فرهنگی و آگاهی‌بخشی به آنها بستگی دارد. بدیهی است که هرچقدر مردم روستاها از مزایا و نتایج ثمربخش کارهای مشارکتی آگاهی بیشتری داشته باشند و بدانند که نتیجه مشارکت، دستیابی به سود و منفعتی پایدار است، انگیزه مشارکت در آنها افزوده می‌شود.

منابع

Agwu, A.E., 2005, **Rural Peoples Attitude Towards Participation in Development Project**, A study of NGWO community in Enugu State, Nigeria, Journal of Rural Development, Vol. 24, No. 2, Aaphril-June.

- Amiri, G., 2005, **Peoples Participation – Rural Development Two Side of One Coin** *Journal of Dehyariha*, vol. 16.
- Badri, S.A. and Nemati MO., 2009, **Strategic Planning of Economic Development with Participatory Approach (The Case: Central Part of Lengeh Township)**, *Human Geography Research Quarterly*, No. 68.
- Carmen, R., 1993, **Poverty and Poverties**, Poverty Alleviation Symposium, Manchester University, Manchester.
- Chambers, R., 1997, **Rural Development and Prioritizing the Poor**, Translator: Mostafa Azkia, First Edition, Tehran University Publications.
- Ghasemi, M.A, 2005, **Researching of Effective Social – Economical Actings on Rural Participations Rate in Civil Programmes (Case Study: Central Part of Kashan)**, *Journal of Rural and Development*, Volume 4.
- Hayati, D. et al., 2007, **Approach of Peoples Participation in Rural Development By Look at the Experiment of Execution of Improvement Projects in Rural Natives From Kamfirooz of Fars District**, Abstracts of Second National Congress of Rural Development in Iran.
- Hosseini, N., 2007, **Atiye Electronic Journal** (www.atiye.ir).
- Jomehpour, M., Spring of 2005, **Systematical Approach to Village and Rural Development**, *Journal of Village and Development*, Vol1.
- Khezal Bakhshdari of Nahavand Province, 2008, **Statistics of Villages of Counties of Khezal Region**.
- Lea, D.A. and Chauanri, D.P., 1983, **The Nature, Problems and Approaches to Rural Development**, *Rural Development and The State*, Cambridge University Press, Cambridge.
- Lowe, P. et al, 2005, **Participation in Rural Development**, Center for Rural Economy, Official Publications of the Eropen, Loxamborg.
- Misra, Supriti and Damodar Suar, 2005, **Development and Partnership**, *Journal of Rural Development*, Vol. 24, No.4, Oct-Des.
- Motiee Langrodi, S.H. and Najafi-kani. A.A., 2007, **The Examination and Assessment of Impacts of the Town and Industrial Districts on the Socio- Economic Development of Rural Areas (Case Study: Babol toWnship)**, *Researche in Geography*, No. 58.
- Motiee Langrudi, H., 2003, **Rural Programming By Emphasis on Iran**, Mashhad's Jahade Daneshgahi Publication.
- Mousavi-nejad moghadam, B., Winter of 2005, **Traditional Structures of Attracting People's Participation in Rural Societies**, *Researching Journal of Center of Researches and Survey of Rural Cases*, Ministry of Agriculture, sixth uear, Vol.19.
- Oakley, P. and Marsden, D., 1991, **Strategies of Participation in Rural Development**, *Publications of Village and Development*, Translator: Mansour Mahmoudnejad, Publisher: Center of Researches and Survey of Rural Cases- Ministry of Agriculture.
- Papoly Yazdi, M.H. and Ibrahimy, M.A., 2006, **Theories of Rural development**, Samt Publications.

- Rezvani, M.R., 2004, **An Introduction to Rural Development Programming in Iran**, Ghomes Publications.
- Shakuri, A., 2000, **A Study on Development and Participation in the Selected Villages of Eastern Azarbaijan**, Researches in Geography, No. 37.
- Shojaee NasrAbadi, 2003, **Survey of the Effect of Economical-Social Organization of Villagers on Participation of Rural Civil Projects**, Thesis for Achievement of Master Degree from Tehran University.
- Wang, Xiaojun and Zhenrong Yu, 2008, **Steve Cinderdy**, John Forrester, Vol. 28, April.